

# یادداشت‌های یک تئوریسین آن طرف آبی

هفشدۀ روش برای  
کله پا کردن جمهوری اسلامی

طنز



علی یاری

از آن جا که رژیم جمهوری اسلامی هر روز دارد جان می‌گیرد و هر چه از این طرف و آن طرف فشار می‌آورند، اولتیماتوم می‌دهند، قطعنامه تصویب می‌کنند، تحریم می‌کنند، یقه می‌درند و حلقوم پاره می‌کنند، می‌جاخالی می‌دهند و دنده عوض می‌کنند و این تحریم‌ها و قطعنامه‌ها و اولتیماتوم‌ها را سوت می‌کنند، مابه عنوان یکی از تئوریسین‌های اون طرف آبی ضمن احساس یک مسؤولیت خیلی خطیر وارد عرصه شدیم تا هفشدۀ روش کاربرد و مؤثر از خودمان اضافه کنیم بلکه هر چه زودتر این رژیم کله پا شود و یک وقت نکند درست و حسابی جان بگیرد و پایش را روی لوله‌های نفت - که همان گردن شکسته ما باشد - بگذارد و داغانمان کند. از حالا داریم می‌گوییم: نگویند نگفتید.

بدیهی است رهنمودهایی که در ذیل می‌آید، شخصاً قسمت‌هایی از افاضات فدوی است و علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب «Ways to Kalleh Payy - e - IRIran» مراجعه کنند.

## اماروش‌ها

۱. شخصیت‌های انقلابی و سیاسی ایران را تعدیل کنید. چه دلیل دارد که یک کشور این همه شخصیت انقلابی داشته باشد؛ یک وقت رودل می‌کند. بزنید صیغه دموکراسی را در مورد چند تا از آنها جاری کنید تا گمان نکنند همین طور هر کسی هر کی است و هر کس چند تا سخنرانی کرد و مردم دورش جمع شدند،

می‌شود مبارز. اینها را چه به مبارزه با دشمن؟! همین بهتر که از اول راحتشان کنید تا تصور نکنند همین طور الکی می‌شود شاخ گول را شکست.

۲. بدهید یکی از دوستانتان سه روز ایران را با خاک - و بلکه هم یک چیزی آن طرف‌تر از خاک - یکسان کند و تهران را فتح نماید. سه روز که سهل است؛ اگر امکانات بدهید، سه ساعته تهران را تحویل‌تان می‌دهد. البته برای انجام این کار، باید یک مقدار مختصری از وسیله‌هایی که بوی سبزی گندیده می‌دهد به این دوستان بدهید تا هر گاه ایران از شرق و غرب و شمال و جنوب و دریا و خشکی و... حمله‌ور شد، بتواند یک طوری از خودش دفاع کند. چون با دست خالی نمی‌شود با ایران جنگید، در این زمینه می‌توانید روی کمک دوستان خلیج عربی (خلیج فارس سابق) هم حساب کنید. بالاخره آنها غیر از اداره کردن همسرهایشان، کارهای دیگری هم بلدند؛ به یژه این که وقتی دلار و نارنجک را از هم تشخیص نمی‌دهند و به جای نارنجک، به کمرشان دلار بسته‌اند اگر بترسند دلار پرتاب می‌کنند - البته اگر اسهال نگیرند، از هوش نروند یا پس نیفتند و به کشور دیگری فرار نکنند. مطمئناً سه روزه تهران کت بسته در اختیار شماست؛ حالا اگر از سه روز کمی هم بیش‌تر شد، دندان روی جگر بگذارید که گفته‌اند: گر صبر کنی زغوره حلوا سازم. هر چند اگر آشپز ناشی باشد، به جای حلوا، آش شله قلم‌کار تحویل‌تان می‌دهد.



چون اسرائیل حالا حالاها به دایه نیاز دارد. در همین راستا می توانید به کمک برخی دوستان داخلی هم اعتماد کنید که می خواهند با «فشار از پایین و چانه زنی از بالا» بعضی چیزها را عوض کنند. معهذاً در زمینه نهادینه کردن این جور چیزها، باید مواظب باشید که چانه تان مثل چانه این دوست ما خرد نشود.

۵. تسلّش کنید با دمرو افتادن روی زمین و دیده بانی دادن، حقوق بشر در ایران نهادینه شود؛ به روش های گوناگون از جمله این که بین زن های محروم جامعه مسابقه بگذارید و بگویید هر کس زودتر برایمان روسری صلح تکان دهد، برایش جایزه صلح می فرستیم. بعد هم مراسم مفصلی تشکیل دهید و با آن بانوی مکرمه ربوبی کنید و بگویید یک دور برایتان بچرخد تا ببینید بی روسری ریخت و قیافه اش چه قدر عوض شده است.

رهنمودهای ما همین طور عین شیریه درخت دارد از اقصا نقاط ذهن فراخمان تراوش می کند و یک نفر نیست که اینها را جمع کند. قرار هم بود که دست کم شما را از هفتشده روش فوق العاده مستفیض کنیم. اما چون ممکن است اگر ما زیادی به شما رهنمود بدهیم، همه چیز را قاطی کنید و مثل آن همسایه عرب ایرانی ها بگویید که ایران یک میلیون نفر را برای انتخابات به عراق فرستاده، بیش از این رهنمود نمی دهیم و فقط رهنمود آخرمان را افاضه می کنیم. پیش از آن در مورد این رفیق عربی هم بگوییم احتمالاً این بیچاره چون کشور خودش یک میلیون جمعیت نداشته تا به عراق بفرستد، مجبور شده یقه ایران را بچسبد.

۶. اگر دیدید هر کاری می کنید، نمی توانید از راه های مسالمت آمیز رژیم جمهوری اسلامی را کله پا کنید، از زمین و هوا و دریا و جاهای دیگر به آن حمله کنید؛ البته قبل از آن بلیت پرواز برای دارقوزآبادی، جایی برای ما بفرستید که ما کار واجبی داریم و صلاح نیست بیش از این در ایالات متحده بمانیم.

به دوستان بگویید که اول، برج های دولوی ایران را پیدا کند و بزند تا بعداً که یکی از دوستان بی وفایتان برجک های خودتان را مورد عنایت قرار داد، خیلی دلتان نسوزد.

حیف که این سردبیر معلوم الهویه مجهول الحال (شاید هم برعکس) تأکید کرده که مطالب، بیش تر از چهار صفحه نشود؛ اگر نه به شما یاد می دادم چه طور با استفاده از اسرار در مقاصد پزشکی و هسته ای به صورت صلح جویانه حق آنها را ادا کنید.

۳. با انتشار یک بیانیه شدید اللحن، ایران را تحریم اتماسی کنید و از شرکت های داخلی و خارجی و غیره بخواهید که با این کشور وارد معامله نشوند؛ با این کار حتماً ایران ساقط می شود. اگر دیدید شرکت های خارجی گوششان به این حرف ها بدهکار نیست، اقتدار به خرج دهید و تحریمشان کنید. پس کدخدای جهان شده اید برای چه؟ کدخدایی که یک شرکت را هم نتواند تحریم کند که کدخدا نیست. با انجام این کارها جمهوری اسلامی حتماً ساقط - و یا حتی این بار یک چیزی هم آن طرف تر از ساقط - خواهد شد. بعد از چند سال اگر دیدید این کارها هم کارگر نیست و ایران هم دارد برای خودش کالا تولید می کند، خودتان داوطلبانه تحریم را به حالت تعلیق در آورید. البته این کار هم خیلی مهم نیست؛ چون شما توانسته اید ایران را ساقط کنید و قدرت یعنی همین! دیگر چه می خواهید؟

۴. این روش هم یکی از روش های ساقط کردن ایران است. در این روش باید مقدار مشابهی فشار تهیه کنید و با وارد کردن به هنگام نگذارید که ایران به فناوری هسته ای دست یابد. در همین راستا دائم سخنرانی کنید، پیام بدهید و هشدار صادر کنید که ای دهکده جهانی! ایران می خواهد با بمب اتم، هیروشیمایتان کند؛ داریم می گوئیم؛ نگویید نگفتید.

هر کسی باور نکند، ما که باور می کنیم. مطمئن باشید قبولاندن یک مسأله به تئوریسینی مثل ما کار چندان ساده ای نیست.

فشارهای شما اول از همه باید به خود جمهوری اسلامی وارد شود و بعد از آن به اژانس بمب اتمی و دست آخر هم به اروپای گوریه گور که هر چه می کشید از این رفیق زبان نفهم است. البته مراقب باشید زیادی فشار وارد نکنید که شیرتان خشک شود؛